

مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: مروری روش‌شناختی

داوود غرایاق زندی^۱

چکیده

قدمت مطالعات امنیتی و راهبردی در ایران به بیش از دو دهه (از اواسط دهه ۷۰ خورشیدی) می‌رسد. در این دوره آثار مختلف در این زمینه به اشکال مختلف منتشر شد. همین امر زمینه را برای بومی‌سازی و کاربرد مفاهیم و مباحث مطالعات امنیتی در ایران فراهم ساخت. آثاری که در طی این مدت منتشر شده، هرچند اندک هستند، اما این امکان را فراهم می‌سازد تا مورد بازنگری نقادانه و سنجش‌گرانه قرار گیرد. این مقاله به دنبال بررسی روش پژوهش با استناد به پنج متن اصلی و بومی در مطالعات امنیتی است. بنابراین پرسش اصلی مقاله این است که مهم‌ترین مشکلات روش‌شناختی پژوهش در مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند. پاسخ اولیه به این پرسش را می‌توان در چهار مشکل عمده جستجو کرد: مشکل تبیین، مشکل ادراکی، مشکل پیش‌بینی و درنهایت مشکل کنترل. این چهار وجه مهم‌ترین موضوعات روشی پژوهش علوم رفتاری است که در مطالعات امنیتی کشور ما دیده می‌شود. این مشکلات به‌گونه‌ای است که در پی هم می‌آیند و مهم‌ترین مشکل نیز مشکل تبیین است که مشکلات دیگر را در پی دارد. به عبارت دیگر، مشکل در تبیین باعث می‌شود تا امکان درک واقعی و عینی و درنتیجه پیش‌بینی و کنترل مسائل امنیتی دچار مشکل گردد. این مقاله بر این ادعا است که رفع این چهار مشکل عمده، زمینه مناسبی برای مطالعه علمی و روشی مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد ساخت.

کلیدواژه‌گان: امنیت ملی، جمهوری اسلامی، روش‌شناسی، مطالعات راهبردی

مطالعات راهبردی و مطالعات امنیتی^۱ در ایران پیشینه‌ای بیش از دو دهه (از اواسط دهه ۷۰ خورشیدی) را تجربه می‌کند. این نوع مطالعات که در حال حاضر در سطح جهانی در حال گسترش است، مطالعاتی ضروری و حیاتی برای اداره امور کشورها محسوب می‌گردند که هدف از تأسیس و گسترش آن در کشور ما نیز ناشی از همین کارکرد کمک به حفظ نظام سیاسی و تهدیدات مختلف پیش روی آن است. در طی این مدت تلاش‌های بسیاری صورت گرفت تا با ترجمه آثار اصلی این رشته‌ها و سیر تحول و تطور آن در کشورهای دیگر شناخت مناسبی از آن‌ها در کشور ایجاد گردد و درعین حال از این نظریات در نگارش سیاست‌نامه‌ها و ارائه طریق به نظام سیاسی و همچنین نگارش مقالات و کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها بهره گرفته شود. به‌واقع این متون در درک این دو رشته جدید و چگونگی مطالعه آن‌ها در کشور ما کمک بسیاری کرده؛ به‌گونه‌ای که مطالعات متمایزی با مباحث رایج در این زمینه مطرح کرده و توجه دانشگاهیان و دست‌اندرکاران به این رشته‌ها نشانه نیاز جامعه ما به این مباحث بوده است.

این تجربه برای شناخت دو رشته مطالعات راهبردی و امنیتی امری ضروری بوده و هدف اصلی از این نوع مطالعات مقابله با تهدیدات امنیتی پیش روی نظام جمهوری اسلامی بوده است. اما از میان حجم قابل توجه متونی که در این زمینه منتشر شده (بیش از هزار کتاب به استناد مرکز اسناد و کتابخانه ملی)، کتاب‌های مرتبط با امنیت ماهوی نظام جمهوری اسلامی از تعداد انگشتان دودست تجاوز نمی‌کند. از میان این متون که با روش مناسبی به مطالعه ماهیت امنیت ملی جمهوری اسلامی - نه موضوعات امنیتی رایج در کشور- پرداخته‌اند، پنج کتاب گزینش شده تا به بررسی روش مطالعه آن‌ها در مورد امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته گردد. هدف از این مطالعه بررسی متون مرتبط در این زمینه و شناخت مشکلات روشی مطالعه امنیت ملی جمهوری اسلامی و فراهم ساختن زمینه مطالعات بعدی در این موضوع است.

با این نگاه پرسش اصلی مقاله این است که مهم‌ترین مشکلات روش‌شناختی پژوهش در مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟ پاسخ اولیه به این پرسش را می‌توان در چهار مشکل عمده جستجو کرد: مشکل تبیین، مشکل ادراک، مشکل

۱. نویسنده به تمایز دو گرایش مطالعات راهبردی که عمدتاً به مسائل نظامی می‌پردازد و مطالعات امنیتی که عمدتاً به حوزه‌های غیرنظامی تهدیدات و فرصت‌ها توجه دارد، واقف است. اما به سه دلیل این دو در کنار هم قرار گرفتند: نخست این که مباحث روشی این دو گرایش تفاوت ماهوی در تحلیل‌های این مقاله ندارد. دو، مطالعات راهبردی و مطالعات امنیتی با محوریت امنیت ملی در ایران با هم رشد و ترقی کردند. سه، برخی از مباحث متون مورد بررسی اشاره به دوره جنگ تحمیلی و مباحث نظامی داشته است که مطالب طرح‌شده به حوزه مطالعات راهبردی نیز مرتبط می‌شود.



پیش‌بینی و درنهایت مشکل کنترل. این چهار وجه مهم‌ترین موضوعات روشی پژوهش علوم رفتاری است که در مطالعات امنیتی کشور ما دیده می‌شود. این مشکلات به‌گونه‌ای است که در پی هم می‌آیند و مهم‌ترین مشکل نیز مشکل تبیین است که مشکلات دیگر را در پی دارد. به عبارت دیگر، مشکل در تبیین باعث می‌شود تا امکان درک واقعی و عینی و درنتیجه پیش‌بینی و کنترل مسائل امنیتی دچار مشکل گردد.

برای بررسی این پرسش و فرضیه مقاله به شکل زیر ساماندهی شده است. پس از مقدمه برداشت مقاله از روش‌شناسی موردنظر و متناسب با مطالعات امنیتی مطرح می‌گردد. سپس در بخش بعدی در راستای فرضیه مقاله، چهار مشکل روشی در کتاب‌های موردبررسی مطرح می‌گردد. در ادامه بایسته‌های نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی آورده می‌شود به این معنا که برای نظریه‌پردازی در مورد امنیت ملی جمهوری اسلامی چه مواردی باید از نظر روشی مورد توجه قرار گیرد و درنهایت در بخش نتیجه‌گیری به ضرورت‌های روشی مطالعه امنیت ملی جمهوری اسلامی برای مطالعات آینده اشاره می‌گردد.

روش پژوهش در مطالعات امنیتی

مطالعات امنیتی یکی از مطالعات زیرمجموعه علم سیاست است. هدف از آن همانند علم سیاست این است که از عهده وظیفه‌ای که دارد برآید. (فی، ۱۳۸۳: ۲۸) هدف مطالعات امنیتی شناخت تهدیدات امنیتی یک نظام و ارائه راه کار برای آن است. پس مطالعه امنیتی یک مطالعه کاربردی است. برای این کار روش مناسب مطالعه در مطالعات امنیتی، یافتن نظریه یا نظریات مختلف برای برآوردن این هدف است. نظریه ممکن است به شکل قوانین، گزاره‌ها، استدلال‌ها و فرضیات (تبیین عمده) مطرح شود. (Pierce, 2008: 22-23) ذات و ماهیت نظریه این است که تا حد امکان «واقعیت» را توضیح، فهم و تفسیر کند. بر این اساس، نظریه با واقعیات و تبیین پدیده‌های مورد مشاهده سروکار دارد. (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۴۳؛ هومن، ۱۳۷۶: ۱۲) نظریه سه کارویژه اساسی دارد: نخست برخی از ابعاد بیرونی جهان را برای ما نشان می‌دهد. دو، فهرستی از مشاهدات ما از جهان ارائه می‌کند. سه، الگویی منظم از جهان خارج مطرح می‌کنند. (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۴) به عبارت دیگر، جهان بیرونی از درون نظریه برای ما قابل توضیح و شناخت می‌گردد.

مطالعات امنیتی نیز یکی از رشته‌هایی است که برای حفظ نظام سیاسی و شناخت تهدیدات و آسیب‌ها و همچنین شناخت فرصت‌های آن تلاش می‌کند و بر این اساس،



رشته‌ای علمی است که باید واقعیات بیرونی به معنی آنچه در جهان واقعی رخ می‌دهد را برای برآوردن این هدف مورد مطالعه قرار دهد. مطالعه امنیتی از این منظر بیشتر به دنبال توضیح و تحلیل پدیده‌های اجتماعی است تا فهم و یا تفسیر آن. این نکته بدین معنی نیست که در مطالعات امنیتی مطالعات تفهیمی و قصدی و متناظر با فاعل مورد توجه نیست، بلکه در مطالعات امنیتی توضیح پدیده‌های اجتماعی و همچنین امنیتی بودن یا نبودن آن، محور اصلی مطالعه است و مطالعات تفهیمی به کمک این نوع مطالعه خواهند آمد. بر این اساس، در مطالعات امنیتی «چه» و «چه موقع» از «چرایی» اهمیت بیشتری دارد. چه موقع یک آسیب پدید می‌آید. چه تهدیداتی در مقابل یک نظام سیاسی موجود است. چه موقع یک تهدید یا آسیب به یک بحران بدل می‌گردد.

بر این اساس، مطالعات امنیتی، مطالعه‌ای کاربردی است و درصدد است تا با ارائه نظریه و شناخت پدیده‌های بیرونی قابل مشاهده تهدیدات و آسیب‌های یک نظام سیاسی و یا یک جامعه و یا یک کشور را مورد بررسی قرار دهد. برای این کار به نظر می‌رسد چهار مرحله و بحث باید صورت گیرد: نخست این که روش مطالعه در مطالعات امنیتی نیازمند تبیین پدیده‌های بیرونی دارد. تبیین به دنبال شناخت قوانین عام و گزاره‌های راجع به حادثه‌ای است که رخ داده است. برای نمونه چرا پس از هر انقلابی یک جنگ به نظام سیاسی انقلابی تحمیل می‌گردد. یا چه پدیده‌ای منجر به تهدیدات سیاسی یا حمله نظامی یک کشور علیه کشور دیگر خواهد شد.

دومین مرحله درک موضوع پژوهش و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن است. در اینجا بررسی فاعلانی که در انجام یک رخداد شرکت داشتند، مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف از این امر این است که چه مسائلی به درک بهتر واقعیت خارجی کمک می‌کند. درک فاعلان به درک موقعیت یک رخداد یاری می‌رساند. برای نمونه پس از هر انقلابی، جنگی رخ داده است، اما علت معنایی رخداد هر جنگ در انقلاب‌های مختلف متفاوت است. درعین حال در درون هر انقلابی ویژگی‌هایی وجود دارد همانند چالش با نظم مستقر که می‌تواند زمینه‌ساز یک جنگ گردد. درک معنایی موقعیت هر انقلاب و فاعلان آن در نوع جنگ، تداوم و پایان آن ضروری است. یا تصمیم‌گیرندگان یک کشور از شرایط حمله نظامی چه ادراکی دارند.

سومین عنصر مهم روش مطالعه در مطالعات امنیتی پیش‌بینی رخداد آینده است. هدف هر مطالعه کاربردی این است که با مطالعه وقایع رخ داده، از پیامدهای نامناسب آن



در آینده پرهیز کند. برای نمونه هدف مطالعه امنیتی این است که از تبدیل آسیب‌پذیری‌ها به تهدید، از تبدیل تهدید به بحران جلوگیری کند. پیش‌بینی این موضوع که چه زمانی و چگونه آسیب‌ها به وضعیت وخیم‌تری نیل می‌کند، می‌تواند نقش مهمی در تصمیم‌گیری و حفاظت از یک کشور و نظام سیاسی داشته باشد. پیش‌بینی یک موضوع می‌تواند وقوع یک رخداد ناخوشایند را کند یا سد کند. یا اگر انقلاب خرابی‌های فراوانی برای یک کشور دارد، بررسی راه‌های جلوگیری آن و پیش‌بینی اصلاح امور می‌تواند روال مناسب‌تری برای یک نظام سیاسی ایجاد کند.

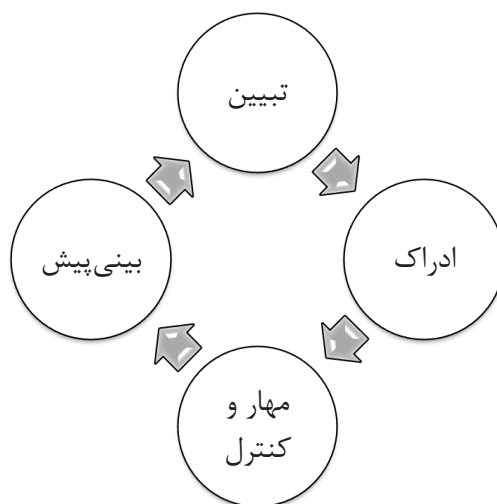
نکته مهمی که در اینجا نیاز به توجه دارد این است که معمولاً بین تبیین و پیش‌بینی نوعی همانندی ساختاری^۱ (فی، ۱۳۸۳: ۴۳) پدید می‌آید. به عبارت دیگر، هر تبیینی لاجرم پیش‌بینی خاصی را نیز در پی دارد. اگر تبیین پدیده‌های بیرونی نشان از این دارد که روابط بین دو کشور رو به وخامت است، پیش‌بینی این خواهد بود که در صورت تداوم این وضعیت جنگ گریزناپذیر خواهد بود. به نوعی تبیین در درون خود نوعی پیش‌بینی را در پی دارد؛ هرچند تبیین اشاره به رخدادی است که رخ داده و پیش‌بینی اشاره به رخدادی است که قرار است رخ بدهد. از این رو، در اینجا به جای همانندی شاید بتوان گفت نوعی تناظر بین تبیین و پیش‌بینی وجود دارد. به هر میزان که تبیین مناسب‌تر باشد، پیش‌بینی امکان‌پذیرتر است و هرگاه پیش‌بینی تا حد زیاد به وقوع بپیوندد، نشانه درستی تبیین است. بر این اساس، تبیین و پیش‌بینی یک پیوستاری است که اولی دومی را طرح می‌کند و دومی اولی را تأیید یا رد می‌کند. در عین حال باید به این نکته هم تأکید کرد که در شرایطی که پیش‌بینی درست از کار در نمی‌آید، لزوماً به معنی تبیین نادرست نیست، بلکه امکان دارد متغیرهای دخیل دیگری مداخله داشته باشند که در زمان طرح تبیین مطرح نبوده و بعداً مطرح شده است. از این رو، در بررسی پیش‌بینی و درستی و نادرستی آن نیز باید محتاط بود و نسبت به تبیین‌ها دقت بیشتری داشت. یکی از محورهایی که ممکن است در تناظر میان تبیین و پیش‌بینی نوعی اخلال ایجاد کند، عدم درک متناسب با تبیین است که ممکن است ناشی از درک فاعلان و تصمیم‌گیرندگان از موضوع باشد. این بحثی است که در موضوع تصمیم‌گیری به آن، تفاوت محیط روانی با محیط واقعی و عملیاتی گفته می‌شود.

عنصر چهارم روش پژوهش در مطالعات امنیتی «مهار» آسیب، تهدید و بحران است. در اینجا حوزه اندیشه و نظر رو به سوی عرصه عملی نیل خواهد کرد. به تعبیر آگوست کنت «ا»



علم پیش‌بینی برآید و از پیش‌بینی، مهار (کنترل)». (به نقل از فی، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۹) این عنصر در مطالعات امنیتی آن را از مطالعات سیاسی به‌ویژه در شرایط بحرانی و مدیریت بحران‌های امنیتی کاملاً متمایز می‌سازد. مطالعات امنیتی در کنار تبیین، درک شرایط، پیش‌بینی باید راه‌کارهای عملی برای رفع تهدیدات و آسیب‌ها ارائه می‌نماید. این کار یکی از وظایف این نوع مطالعات برای حفظ نظام سیاسی، کشور و مردم است. عنصر مهار حوزه‌ای است که عرصه راهبردی دولت را مدنظر دارد و تنها قرار نیست که به توصیه‌های کلی، میان مدت یا بلندمدت و بطئی اشاره شود، بلکه در این نوع مطالعات هدف، دادن راه‌کار عملی و قابل پیاده‌سازی برای رفع بحران حتی در کوتاه‌مدت است. از این‌رو، تا مرحله پیش‌بینی، بخش اصلی مطالعات امنیتی به دنبال یافتن راهبردهای مختلف امنیتی یا مطالعه سیاست‌گذاری^۱ است ولی مرحله مهار، مرحله تحلیل سیاسی^۲ و نگارش سیاست‌نامه برای حل یک مسئله فوری امنیتی است. (نگاه کنید به غرایق زندی، ۱۳۸۹)

درمجموع روش پژوهش در مطالعات امنیتی به دنبال دو هدف است: نخست مطالعه علمی پدیده‌های امنیتی و دیگر این‌که در این نوع مطالعات، راه‌حل نیز برای برون‌رفت از شرایط بحرانی و دشوار ارائه می‌شود. به این معنی مطالعات امنیتی از حساسیت و اهمیت وافری برخوردارند و مطالعه علمی آن امری بایسته است.



رسم توضیحی^۱ عناصر چهارگانه روش پژوهش در مطالعات امنیتی

1. policy study
2. policy analysis



مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی: مرور روشی

این بخش از مقاله سعی دارد تا به بررسی کتاب‌های مهمی که در مورد امنیت ملی جمهوری اسلامی نگاشته شده، را بررسی کند که آیا شناخت مناسبی در مورد امنیت ملی جمهوری اسلامی صورت گرفته و اگر این‌طور نبوده مشکلات روشی آن‌ها در چیست. همان‌طور که در مقدمه آمد، هدف مطالعات امنیتی در هر کشور این است که تبیین مناسبی از وضعیت آن کشور برای مقابله با تهدیدات و آسیب‌ها پدید آید. اگر مطالعات امنیتی به تبیین بهتر امنیت ملی جمهوری اسلامی یاری نکرده، چه بایسته‌هایی را باید رعایت کرد. این مقاله از نظر روشی به موضوع می‌پردازد و سعی دارد چهار عنصر اصلی روش پژوهش در مطالعات امنیتی را در مورد پنج کتاب مهم در مورد امنیت ملی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهد. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: مقدمه‌ای بر راهبردهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت‌ها و راهبردها (۱۳۸۰)؛ نگاهی به مسائل امنیتی ایران: گفت‌وگوها (۱۳۸۰)؛ راهبرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات راهبردی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴)؛ گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)؛ نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷). تمامی این کتاب‌ها در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی نگاشته شده‌اند. دهه ۸۰ دهه سوم جمهوری اسلامی است و پس از دهه نخست که کشور درگیر جنگ تحمیلی بوده، دهه ۷۰ زمینه مطالعات امنیتی فراهم شد و در دهه ۸۰ اولین محصولات مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی منتشر شد. در اینجا با بررسی روشی این مطالعات سعی بر این است تا با اشاره به برخی از مشکلات روشی راهی برای مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی در دهه ۹۰ خورشیدی پدید آید. روال بررسی نیز به پرداختن به چهار عنصر اصلی روشی در هر کتاب است.

عنصر تبیین: کتاب مقدمه‌ای بر راهبردهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در تبیین امنیت جمهوری اسلامی به عناصری اشاره دارد که با مباحث امنیتی جمهوری اسلامی متفاوت است. به عبارت دیگر، موضوع امنیت ملی در حال گذار به مباحث جدیدی است که با برداشت رایج در جمهوری اسلامی متفاوت است. جمهوری اسلامی در حالی سعی دارد که برداشت خاص خود را پس از دو دهه از درگیری با مسائل جنگ و بازسازی در جامعه پیاده سازد که این مسائل در حال تحول هستند و نیاز است به آن‌ها توجه بایسته گردد. کتاب مهم‌ترین این مباحث را که با امنیت ملی جمهوری اسلامی متفاوت هستند، این‌گونه فهرست می‌کند: امنیت منفی در قبال امنیت مثبت؛ امنیت هویت‌نگر



در مقابل امنیت هویت‌زدا؛ امنیت دولت‌محور در تقابل با امنیت جهانی؛ امنیت رسمی در قبال بازیگران غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)؛ بستاری در مقابل جامعه اطلاعاتی شبکه‌ای؛ قوانین فیزیکی در قبال قوانین سایبرنیکی؛ تهدیدمحور بودن در مقابل تهدید و فرصت‌محور بودن؛ مهندسی جامعه در برابر گسترش فرامرزهای ملی؛ شکاف تدبیر - تغییر؛ گذار ناقص و ناموزون جامعه ایران (به‌مثابه تهدید امنیتی)؛ محیط کدر تصمیم‌سازی؛ گوناگونی و تعدد گفتمانی؛ دو یا چند هسته‌ای بودن کانون گفتمان مسلط اجتماعی و سیاسی؛ عدم تعریف و تعیین دقیق عناصر شکل‌دهنده گفتمان امنیتی - راهبردی؛ فقدان ملاک‌ها و معیارهای مشخص و باثبات برای تعریف خودی و دیگری؛ فقدان تحلیل مشخص از اوضاع مشخص؛ تصویر و طراحی دیواره‌ای شکننده برای جامعه امن خود. (تاجیک، ۱۳۸۰: ۱۰-۲۶)

کتاب با تبیین‌های مختلفی که دارد نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی نیاز به تعریف و تبیین جدیدی از امنیت ملی خود دارد که با شرایط متحول مفهوم امنیت ملی در سطح منطقه‌ای و جهانی همسو گردد. عدم توجه نظام سیاسی به شرایط متحول تغییر در مفهوم امنیت ملی خود می‌تواند به عامل ناامنی و تهدید علیه نظام سیاسی بدل گردد. به عبارت دیگر، در شرایطی که نظام سیاسی سعی دارد امنیت ملی خود را تثبیت کند، درواقع نوعی ناامنی و تأخر و عقب‌ماندگی خود را در حوزه امنیت ملی به نمایش می‌گذارد. کتاب نگاهی به مسائل امنیتی ایران، مجموعه گفت‌وگوهایی است که با چند اندیشمند این رشته انجام شده است. چهار تبیین تاحدی مشابه در این کتاب دیده می‌شود. تبیین نخست به دو رویکرد امنیتی که در جمهوری اسلامی تجربه شده اشاره دارد: عناصر درونی رویکرد اول عبارت‌اند از: نگرش ارزشی - فرهنگی به امنیت ملی؛ امنیت سخت‌افزاری؛ تأکید کمتر بر عوامل داخلی و اقتصادی؛ اولویت امنیت حکومت و نهادهای حکومت و نهادهای حکومتی بر امنیت مردم؛ تداوم روندهای گذشته در سیاست خارجی و تفسیر فراملی از امنیت. ویژگی‌های درونی سازنده رویکرد دوم شامل تأکید بر درون‌گرایی؛ رد نگرش سخت‌افزاری؛ تأکید بر ابعاد داخلی و اقتصادی امنیت ملی؛ و امنیت مردم و امنیت حکومت مکمل هم هستند. (علینقی، ۱۳۸۰: ۱۷-۳۷)

در این دو رویکرد اشاره به دو دهه نخست و دوم انقلاب اسلامی دارد. رویکرد اول در دهه ۶۰ حاکم بوده و شرایط ناشی از تحولات پس از انقلاب اسلامی و تحمیل جنگ وضعیتی را پدید آورد تا حفظ سرزمین ایران و حکومت برآمده از انقلاب اسلامی در اولویت



قرار گیرد. به‌نوعی همسانی مناسبی بین دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ساخت سیاسی جمهوری اسلامی پدید آید و تهدید علیه یکی به‌مثابه تهدید علیه دیگری محسوب می‌شد. اما رویکرد دوم اشاره به برخی مشکلات ناشی از رویکرد نخست بود که باعث شد تا برخی از عناصر و ویژگی رویکرد دوم در قبال رویکرد اول در اواخر دوره جنگ و شرایط پس از جنگ شکل گیرد. این تبیین نشان از این امر دارد که واقعیت مسائل امنیتی در تعیین این رویکردها مؤثر بوده است.

تبیین دوم کتاب نیز تا حد زیادی در همین مسیر قرار دارد. سه رویکرد یا راهبرد در جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت: رویکرد بسط‌محور، حفظ‌محور و درنهایت رشد‌محور. (تاجیک، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۵) رویکرد بسط‌محور اشاره به دوره پس از انقلاب اسلامی دارد که هدف انقلاب اسلامی گسترش پیام‌های جدید انقلاب اسلامی به تمامی نقاط جهان است. انقلاب اسلامی سعی داشت تا دیگر نقاط جهان به‌ویژه مردم منطقه نیز که در شرایط اقتدارگرایی زیست می‌کنند، از شرایط رهایی‌بخشی انقلاب اسلامی بهره‌مند گردند. ازاین‌رو، گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی و پذیرش باورهای انقلابی باعث گسترش حوزه و مرزهای اعتقادی انقلاب شده و همین امر ضریب امنیتی نظام جمهوری اسلامی را بالا می‌برد. دوره دوم با سد شدن برنامه صدور انقلاب اسلامی در مرحله نخست گسترش و بسط و درگیر شدن با کشور همسایه عراق که بیشترین جمعیت شیعی را داشت، باعث شد تا رویکرد دوم حفظ نظام و ام‌القرای اسلامی مورد توجه قرار گیرد. درنهایت، مشکلات ناشی از تخریب جنگ تحمیلی ضرورت بازسازی پس از جنگ رویکرد رشد‌محوری را در دستور کار قرارداد. در این رویکرد سوم آرمان‌های رفاهی انقلاب در داخل مورد توجه قرار گرفت و با توانمندسازی داخلی امکان گسترش بیرونی فراهم خواهد گردید.

تبیین سوم کتاب چهار رویکرد عمده به امنیت ملی جمهوری اسلامی را مطرح می‌کند: دیدگاه مبتنی بر رشد اقتصادی؛ دیدگاه مبتنی بر تفکر سنتی به مسائل امنیتی؛ دیدگاه مبتنی بر توسعه فرهنگی و دیدگاه مبتنی بر رفاه اجتماعی. (حاجیان، ۱۳۸۰: ۸۹-۹۵) دیدگاه سنتی به امنیت به دوره ناشی از جنگ تحمیلی اشاره دارد که بر اقتدار مرکزی و دولت‌محوری تأکید می‌شود، بسیج اجتماعی در دستور کار است و حمایت جدی از نهضت‌ها و نیروهای اسلامی خارج از کشور مدنظر بود؛ دیدگاه رشد‌محور به دنبال پرستیژ و منزلت بین‌الملل، تأکید بر زندگی و روحیات اقتصادی جامعه و درنهایت افزایش ظرفیت نظامی و دفاعی جامعه بود. دیدگاه سوم به توسعه فرهنگی اشاره دارد که دوره پس از دوره رشد اقتصادی مطرح



می‌گردد و در نهایت دوره رفاه اجتماعی قاعداً دوره‌ای است که پس از توسعه فرهنگی پدید خواهد آمد که البته این دیدگاه هنوز در کشور عملیاتی نشده است.

تبیین آخر کتاب نگاهی متفاوت به موضوع دارد و بیش از این که برداشتی تاریخی به موضوع داشته باشد، نتیجه ناشی از پدید آمدن تجربه تاریخی در ساخت جمهوری اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. این تبیین اشاره به دو نگرش دولت‌محور با عناصر چهارگانه - جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت - در کنار نگرش حکومت‌محور دارد. در نگرش نخست دولت ملی با تمام کلیت آن مدنظر است که حکومت تنها یکی از آن عناصر پایه‌ای محسوب می‌گردد. در حالی که در نگرش دوم امنیت حکومت در قبال سایر عناصر در اولویت قرار می‌گیرد. (کریمی‌مله، ۱۳۸۰: ۱۱۳) از نظر این اندیشمند آشفته‌گی‌های پس از انقلاب اسلامی و خرابی‌های بازمانده از جنگ در کنار ساخت رانتی دولت باعث شد تا حکومت، محور تصمیم‌گیری‌های امنیتی قرار گیرد و مفهوم امنیت ملی تا حد زیادی تقلیل‌گرایانه و حکومت‌محور گردد. این تلقی تقلیل‌گرایانه از امنیت ملی باعث شد تا نظام سیاسی جمهوری اسلامی در معرض دو تهدید جدی قرار گیرد: نخست مشکلات ناشی از تعریف و اجرای امنیت ملی است. «به نظر می‌رسد که اگر در سطح تعریف نتوانیم به وضوح و شفافیت لازم برسیم، قطعاً در اجرا هم این مشکلات به وجود خواهد آمد. علت این که می‌گوییم در سطح تعریف هم مشکل داریم، آن است که نظام ما از حیث ترکیب جمعیتی، فرهنگی و اعتقادی و نظامی چندپارچه است. در این شرایط ارائه تعریف مشخصی از مفاهیم امنیتی بسیار سخت و دشوار است». (همان: ۱۱۷) تهدید دوم فرایند غربی شدن فرهنگ است که در حال حاضر به شکل جهانی شدن خود را نشان می‌دهد. (همان: ۱۲۰-۱۲۱) این فرهنگ به واسطه انسان‌محور بودن و اباحه‌گری (همان: ۱۲۱) تفاوت اساسی با فرهنگ اسلامی ما دارد. این دو تهدید دو مشکل مهم و اساسی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد.

کتاب راهبرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، حاصل مجموعه مقالات اولین همایش مطالعات راهبردی در ایران در سال ۱۳۸۲ است. مجموعه مقالات این کتاب عمدتاً نظری است و تنها دو مقاله اشاره به امنیت ملی جمهوری اسلامی دارند. اولین مقاله نظام جمهوری اسلامی را در قبال نظام‌های سیاسی قبل از انقلاب اسلامی نظامی می‌داند که از الگوی راهبرد نظامی گرا خارج شده و دارای پیام قدرت نرم ایدئولوژیک از داخل برای جهانیان است. «اما به واسطه رخداد‌های مهمی از قبیل وقوع جنگ تحمیلی، توطئه‌های دشمنان



داخلی و خارجی، تلاش برای تجزیه کشور و آسیب زدن به تمامیت ارضی کشور، مشکلات ناشی از محاصره اقتصادی کشور و ... عملاً این ایده راهبردی در کشور نهادینه نشده است و نظام جمهوری اسلامی ضرورتاً گفتمان قبض‌محور را با نگاه به درون و با هدف صیانت از اصل جمهوری اسلامی در دستور کار خود قرارداد. درواقع، توطئه‌های داخلی و خارجی و مشکلات فزاینده مملکت‌داری، مانع از آن شد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند راهبرد جهان‌گرایانه خود را آن‌گونه که ارزش‌های اصیل اسلامی بیان می‌دارد، عرضه، تدوین و به‌صورت رسمی ارائه نماید». (افتخاری، ۱۳۸۴: ۴۴) بر این اساس، نویسنده معتقد است که ارائه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مرحله مهمی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد زیرا توان قدرت جمهوری اسلامی را در میان‌مدت در سطح منطقه‌ای تعریف می‌کند و دیگر این‌که آن را در وجه نرم یعنی «الهام‌بخش برای جهان اسلام» مطرح می‌کند که به‌نوعی بازگشت از حوزه قدرت سخت به قدرت نرم است. (همان: ۴۶)

مقاله بعدی به موضوع تأثیر دارالاسلام بر راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌پردازد. به باور نویسنده هرچند توجه به دارالاسلام باعث شد تا ضریب امنیتی کشور به فراتر از مرزهای ملی گذر کند، اما به‌واسطه نظریه‌های بسط‌محور باعث افزایش خصومت علیه خود شد، بسترهای داخلی برای مقابله با تهدیدات خارجی فراهم نبود و درنهایت، «افراط در دشمن‌گرایی که در حال حاضر بر ذهنیت برخی از نخبگان کشور حاکم است، غیرواقعی است و تهدیدهای موجود خارجی را در مقایسه با تهدیدهای داخلی کم‌اهمیت‌تر قلمداد می‌کند». (زارعی، ۱۳۸۴: ۱۸۸)

کتاب چهارم - گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران - نیز با تلاشی درخور، عناصر سه‌گفتمانی که پیش‌ازاین مطرح شده بود، یعنی گفتمان‌های بسط‌محور، حفظ‌محور و رشد‌محور را به تفصیل روشن می‌سازد و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را برمی‌شمارد. این کتاب نیز مشخص می‌سازد که علی‌رغم اهمیت گفتمان بسط‌محور، تهدیدات بسیاری را نیز برای کشور و نظام جمهوری اسلامی پدید آورده که بی‌تجربگی سیاسی انقلابیون، دوگانگی در ساختار قدرت سیاسی، برخورد جهان‌بینی‌ها، ضعف در شکل‌گیری هویت اجتماعی قوی، تداوم برخی از ظواهر وابستگی فکری، فرهنگی و اقتصادی، چالش‌های هویتی و قومی در کنار تهدیدات خارجی منطقه‌ای و جهانی (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۶۶) باعث چرخش این گفتمان به گفتمان حفظ‌محور شد. گفتمان حفظ‌محور درواقع به دنبال مشکلات برآمده از گفتمان نخست، رو به‌سوی دفع تجاوز و دفاع از تمامیت ارضی



کشور، حفظ اسلام و نظام اسلامی، دفاع از استقلال و هویت ملی، دستیابی به اطمینان خاطر از طریق تنبیه متجاوز و جبران خسارت (همان: ۲۴۸-۲۴۹) اقدام کرد. این گفتمان نیز به واسطه تزلزل در پشتوانه اقتصادی کشور، برتری سخت‌افزاری ماشین جنگی عراق، رویارویی نظام بین‌المللی با ایران و بین‌المللی شدن جنگ و گستردگی میدان نبرد (همان: ۳۴۱) توانست جنگ را خاتمه دهد و زمینه را برای ترمیم خسارت جنگی و دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی و ورود به گفتمان سوم فراهم سازد. این گفتمان نیز در نوع خود به واسطه رخنه در مبانی مشروعیت نظام، وجود دوگانگی سیاسی و تنازعات جناحی و تداوم وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی و رواج فقر و فساد و همچنین تزلزل در هویت ملی مشکلاتی برای کشور ایجاد کرد. این کتاب نیز همانند کتاب‌های قبلی با مشاهده واقعیت‌های خارجی، تبیین تقریباً مشابهی ارائه می‌دهد.

کتاب پنجم - نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران - تبیینی متفاوت را دنبال می‌کند. این کتاب به دنبال این است که نظریه امنیت در جمهوری اسلامی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است. کتاب، ارزش‌ها و آرمان‌های اساسی نظام را شامل اسلامی (شیعه) بودن نظام سیاسی، حضور مؤثر ولایت فقیه، حفظ کرامت، حقوق و آزادی‌های انسانی، اتکا نظام سیاسی به آرای عمومی (جمهوریت)، حفظ استقلال، حفظ تمامیت داخلی، حفظ وحدت و همبستگی ملی، تلاش برای تحقق عدالت در تمام شئون، مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم و مستضعفان، حفظ بنیان خانواده و درنهایت حفظ محیط‌زیست می‌داند. (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۴۰) این موارد بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی مطرح شده است. هدف امنیت ملی جمهوری اسلامی تشکیل امت واحد جهانی، برقراری عدالت کامل در داخل و خارج، سعادت کل بشریت، رشد و توسعه کامل و همه‌جانبه و درنهایت نابودی ظلم و ستم در جهان است. (همان: ۱۴۱-۱۴۴) این اهداف عمدتاً مبتنی بر وجوه اسلامی نظام جمهوری اسلامی است. این امر در کتاب درجایی مشخص‌تر می‌گردد که مرجع امنیت در جمهوری اسلامی را اسلام، ولایت امر و امامت امت و درنهایت مؤمنین می‌داند. (۱۶۴-۱۸۲) مواردی که در این کتاب مطرح شده اشاره به امنیت بسط‌محور در کتاب‌های بالا است. اما مشخص نمی‌سازد که این ویژگی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی تحت چه شرایطی قابل تحقق است. این موضوع در مورد منابع مطالعه امنیت ملی جمهوری اسلامی مشهود است. کتاب، چهار منبع قانون اساسی، نظرات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و درنهایت چشم‌انداز بیست‌ساله کشور را



(همان: ۱۰۶) معرفی می‌کند. در این منابع هیچ اشاره‌ای به ظرف ایران که نظام جمهوری اسلامی در آن مستقر است و توان و ضعف‌های آن و همچنین اشاره‌ای نیز به مشکلاتی که در تحقق آن در دوره اول جمهوری اسلامی مطرح است، نمی‌کند. بر این اساس، این نظریه، نظریه انتزاعی از امنیت جمهوری اسلامی ارائه می‌کند و به واقعیت‌های بیرونی امنیت ملی جمهوری اسلامی بی‌توجه است.

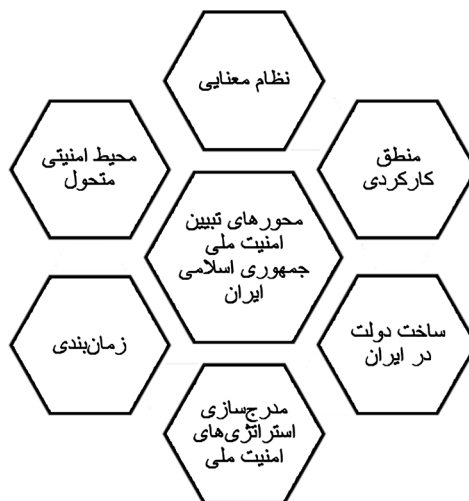
از مجموع این تبیین‌ها می‌توان چهار تبیین اصلی را در اینجا به شکل زیر مطرح کرد:

تبیین ۱: نظام معنایی و کارکردی جمهوری اسلامی نیاز دارد تا با شرایط متحول مفهوم امنیت ملی تطابق یابد.

تبیین ۲: تبیین امنیت ملی جمهوری اسلامی تابع شرایط مختلف است. (رویکرد سیاست‌گذارانه)

تبیین ۳: امنیت ملی جمهوری اسلامی با ساخت دولت نه حکومت در ایران باید تبیین گردد.

تبیین ۴: تبیین راهبرد امنیت ملی در کوتاه‌مدت (عمدتاً داخلی)، میان‌مدت (عمدتاً منطقه‌ای) و بلندمدت (عمدتاً خارجی) ضروری است.



عنصر ادراک امنیت ملی جمهوری اسلامی به درک مقامات اصلی تصمیم‌گیر جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف توجه دارد. این موضوع کمک می‌کند تا نوع تصمیمات



امنیتی در هر مقطع را روشن سازد. از میان کتاب‌های مورد بررسی در اینجا، تنها کتاب نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی به نظرات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می‌پردازد که آن‌ها را در چارچوب واقعیات بیرونی بررسی نمی‌کند. به عبارت دیگر مشخص نمی‌سازد که فاعلان مؤثر در امنیت جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف با توجه به نظریه‌ای که از امنیت ملی جمهوری اسلامی در نظر داشتند چگونه عمل کرده‌اند و چرا این نوع تصمیم‌ها اتخاذ شده است. همچنین اگر تبیین‌های موردنظر کتاب‌های دیگر را مورد توجه قرار دهیم، درک مقامات تصمیم‌گیرندگان و فاعلان امنیت ملی جمهوری اسلامی کمک بسیاری می‌کند تا امکان پیش‌بینی و مهار تهدیدات و آسیب‌ها فراهم آید. برای مثال تبیین امنیت جمهوری اسلامی چگونه باید صورت گیرد و به چه ابعادی باید توجه کرد، همچنین فاعلان امنیت ملی جمهوری اسلامی در هر دوره چه درکی از این تبیین‌ها دارند؛ آیا امکان پذیرش این تبیین‌ها و زمینه تغییر نگاه به امنیت ملی در فاعلان و تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی فراهم بود. هیچ‌کدام از کتاب‌ها توجه چندانی به این موضوع نمی‌کنند و همین امر امکان طرح عناصر دیگر نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی را با مشکل مواجه می‌سازد.

عنصر پیش‌بینی همان‌طور که در بخش نظری آمده، تا حد زیادی در ارتباط با تبیین مطرح می‌گردد. بر اساس تبیین‌های بالا انواع پیش‌بینی نیز قابل طرح است. بر اساس کتاب مقدمه‌ای بر راهبردهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تغییر ماهوی در امنیت ملی جمهوری اسلامی ضرورت دارد. اما کتاب مشخص نمی‌سازد که اگر این نوع تبیین مورد توجه فاعلان امنیت ملی جمهوری اسلامی قرار نگیرد، چه تهدیدات و آسیب‌هایی متوجه نظام جمهوری اسلامی خواهد شد، چه چالش‌های امنیتی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت گریبانگیر نظام سیاسی خواهد شد. این موضوع در مورد نگرش سنتی به امنیت ملی، نگرش حکومت‌محور به امنیت ملی، نگاه بسط‌محور و حفظ‌محور امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز صادق است. این کتاب‌ها مشخص نمی‌سازند که اگر تبیین آن‌ها از امنیت ملی جمهوری اسلامی صورت نگیرد، چه آسیب‌ها و تهدیداتی در آینده، نظام با آن مواجه خواهد شد. اگر نظام سیاسی به رویکردهای بدیل توجه نکند یا فاعلان امنیت ملی جمهوری اسلامی در قبال رویکردهای بدیل مقاومت کند، چه آسیب‌هایی متوجه نظام سیاسی خواهد شد و یا اگر این تغییرات صورت گیرد آیا امکان دنبال کردن آرمان‌ها و ارزش‌های اساسی امنیت جمهوری اسلامی قابل تحقق است.



بر این اساس در کتاب‌های موجود، پیش‌بینی از آینده امنیت ملی جمهوری اسلامی وجود ندارد و به همین دلیل هم بحثی در مورد چگونگی مهار و کنترل آن مطرح نمی‌گردد. در این شرایط نظام سیاسی جمهوری اسلامی با چالش‌های امنیتی مواجه است و خواهد شد که مطالعات امنیت ملی جمهوری اسلامی در کشور هیچ توجهی به آن ندارد. نتیجه این جریان این است که متون مطالعات امنیتی و مطالعات راهبردی در راستای بهبود وضعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی مورد استفاده بهینه قرار نگرفته است و تمامی نهادهای مطالعاتی و مراکز راهبردی متعدد در کشور که از ۲۵ مورد تجاوز می‌کند (بر اساس آمار انجمن مطالعات راهبردی کشور)، چندان که باید در این زمینه موفق نبودند و تنها به مسائل روزمره و مسائل پیش روی نظام جمهوری اسلامی می‌پردازند که فقدان برداشت مناسب از نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی تنها روال سعی و خطا و دفع خطر در کوتاه‌مدت در این مؤسسات دنبال می‌شود که خود ممکن است برای کلیت امنیت ملی جمهوری اسلامی تهدیدزا باشد. از این رو، در ادامه بحث سعی می‌شود تا مهم‌ترین بایسته‌های طراحی نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح شود.

بایسته‌های نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی

بررسی کتاب‌های موجود نشان می‌دهد که مشکلات جدی به‌ویژه در مورد تبیین امنیت ملی جمهوری اسلامی وجود دارد. کتاب‌هایی که مورد بررسی قرار گرفتند، یک بررسی مستقلی برای رسیدن به یک نظریه امنیت ملی جمهوری اسلامی نبودند. برای طرح نظریه‌ای مناسب در مورد جمهوری اسلامی نیاز است که در چهار وجه روشی مطروحه در بخش نظری بایسته‌هایی رعایت گردد.

در وجه تبیین امنیت ملی جمهوری اسلامی به چهار نکته باید توجه کرد: نخست شناخت منابع مختلف امنیت ملی جمهوری اسلامی برای ارائه تعریف مناسب از آن ضروری است. امنیت ملی جمهوری اسلامی از چهار منبع ظرف جغرافیایی ایران، اندیشه‌های اسلامی، منابع بالادستی نظام جمهوری اسلامی و شرایط متحول محیطی باید احصاء گردد. بدون توجه به این چهار منبع تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی مشکل خواهد بود. دوم، ارائه نظریه‌های مختلف بر اساس منابع بالا به شناخت بیشتر مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی کمک می‌کند. سوم، توجه به شرایط متحول مفهوم امنیت ملی و ضرورت تغییر در تعاریف و راه‌کارها نباید با مقاومت همراه باشد. زیرا این امر امکان رفتار



متوازن و متناسب با شرایط متحول را از بین می‌برد. چهارم، نگاه راهبردی و مدرج داشتن در تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی ضروری است. تجربه سه دهه اخیر همان‌طور که در مطالعات یادشده آمده، نشان می‌دهد که راهبرد گسترش مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی به فرامرزهای ملی، باید با احتیاط و توجه به شرایط مختلف و توانمندی‌ها و ضعف‌ها صورت گیرد. اگر این شرایط مورد توجه قرار نگیرد، مفهوم امنیت ملی به عامل ناامنی ملی بدل خواهد شد. مدرج‌سازی مفهوم امنیت ملی به این معنی است که گسترش مفهوم امنیت ملی با در نظر گرفتن شرایط مختلف همانند توان و ضعف ملی در راستای امنیت ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. درعین حال عدم برنامه‌ریزی مناسب با توجه به توان و موقعیت کشور ممکن است نوعی بی‌اعتمادی نسبت به باورهای اصلی پدید آورد که آن‌ها باورهایی عالی هستند؛ ولی آن‌طور که باید مؤثر نیستند. یا حتی سطح تهدیدزایی گرایش به پیاده‌سازی آرمان‌ها در حدی باشد که جبران خسارت وارده امکان‌پذیر نباشد. در سطح درک فاعلان امنیت ملی جمهوری اسلامی باید به سه نکته توجه کرد: نخست این‌که درک کلی و برداشت مقامات جمهوری اسلامی از امنیت ملی جمهوری اسلامی چیست. دوم، این درک در هر دوره قابل اطلاق و اعمال است یا در موارد خاصی تفاوت‌هایی در نوع نگاه و برداشت مسئولان جمهوری اسلامی پدید آمده و ضمن بررسی آن‌ها باید دریافت که این تغییرات ماهوی است یا رویه‌ای. سوم، توجه به امنیت ملی و مجری بودن حفظ امنیت ملی باعث حکومت‌محوری در برداشت امنیت ملی جمهوری اسلامی نگردد. این کار نه تنها مدیریت مناسب‌تری برای جمهوری اسلامی فراهم می‌سازد، بلکه زمینه مشروعیت نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. مهم‌ترین مزیت این کار این است که از «امنیتی‌شدن» امور سیاسی پرهیز می‌گردد. (نگاه کنید به: ویور، ۱۳۸۰) منظور از امنیتی‌شدن این است که مشکلاتی که باید با تدبیر و خط‌مشی سیاسی قابل حل است یا باید از این طریق حل گردد، به شکل فوق‌العاده و صرف هزینه‌ها و انرژی مضاعف مرتفع می‌گردد.

در سطح پیش‌بینی چهار کار باید صورت گیرد: نخست شاخص‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی طراحی گردد و سپس راه‌کار بررسی و سنجش آن‌ها در طی دوره‌های یک‌ساله، چهارساله و یک دهه مورد ارزیابی قرار گیرد. دوم، بر اساس شاخص‌ها و سنجش آن‌ها امکان طراحی سناریوهای مختلف از خوش‌بین‌ترین تا بدترین سناریو فراهم می‌گردد. سوم، طراحی سناریوها امکان آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری وقایع را ممکن می‌سازد. با این



کار آینده امنیت ملی جمهوری اسلامی قابل محاسبه و شناخت است و چهارم، بر اساس این سه کار شاخص سازی، سناریوسازی و آینده نگری، چشم انداز یک دهه، دو یا چند دهه ای برای کشور طراحی و عرضه گردد.

در سطح مهار و کنترل آسیب ها، تهدیدات و بحران ها، ضروری است تا به ترتیب به چهار مشکل توجه گردد: توجه به آسیب پذیری ها، توجه به تهدیدات، تأکید بر بحران ها و در نهایت ملاحظه شرایط متحول محیط امنیت ملی همانند تغییرات مفهومی و پیشرفت های فناوری و تسلیحاتی برای سد کردن هر مرحله از مسئله امنیتی ضروری است.

جدول ۱: بایسته های نظریه پردازی امنیت ملی جمهوری اسلامی

ردیف	سطح تبیین	سطح ادراک	سطح پیش بینی	سطح مهار
۱	شناخت منابع تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی	درک کلی مقامات اصلی نظام	طراحی شناخت شاخص های امنیت ملی جمهوری اسلامی و شیوه سنجش آن ها	توجه به آسیب پذیری ها
۲	طرح نظریه های مختلف در مورد امنیت ملی جمهوری اسلامی	درک مقامات تصمیم گیر نظام در هر دوره زمانی	طراحی سناریوهای مختلف	توجه به تهدیدات
۳	پذیرش تغییر در مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی	گذر از امنیت حکومت محور به امنیت دولت محور	آینده شناسی و آینده نگاری	توجه به بحران ها
۴	داشتن نگاه راهبردی و مدرج در تحقق اهداف امنیت ملی	-	طراحی و ارائه چشم انداز امنیت ملی جمهوری اسلامی	توجه به شرایط متغیر محیط امنیتی

نتیجه گیری

مطالعات امنیتی در ایران همانند سطح بین المللی در حال گسترش است. اما همان طور که در بالا اشاره شد برای این که در چارچوب ساخت جمهوری اسلامی قرار گیرد، نیاز به مطالعات بیشتری دارد. این مقاله که از منظر روشی به مطالعه امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته، نشان داده که نه تنها از نظر حجم و میزان متونی که باید به مفهوم امنیت



ملی جمهوری اسلامی در ایران بپردازند، بسیار اندک هستند، بلکه نوع تبیین و ورود به موضوع نیز بسیار متفاوت و متمرکز و پراکنده است. برای این که این نوع مطالعات جایگاه مناسبی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی بیابد، نیازمند توجه به مباحثی است که در بالا به آن اشاره شده است. هرچند در متون بررسی شده مشکلات چهارگانه روشی وجود داشت، ضرورت توجه بایسته به تبیین مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی امری بسیار ضروری است.

در تبیین مفهوم امنیت ملی جمهوری اسلامی باید نظام معنایی جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گیرد. همچنین توجه به مؤثر بودن این نظام معنایی اهمیت زیادی دارد زیرا بی توجه به کارکرد این منطق و شیوه عملیاتی کردن آن باعث افزایش ناامنی و یا بی اعتباری در امکان پیاده سازی آن خواهد شد. درعین حال در بررسی مطالعات امنیتی جمهوری اسلامی در دهه ۹۰ خورشیدی توجه به تاریخ گذشته جمهوری اسلامی می تواند بسیار راهگشا باشد. درنهایت ضرورت دارد تا برنامه های زمان بندی شده و مدرج سازی شده در دستور کار مراکز مطالعاتی کشور قرار گیرد. به نظر می رسد این اقدامات نه تنها به مدیریت بسیاری از مسائل امنیتی جمهوری اسلامی در آخرین دهه سده چهاردهم خورشیدی کمک می کند و زمینه ساز شروع مناسب تری سده جدید خواهد بود، بلکه این مباحث جدید نیز در کشور بومی می گردد. این بازنگری در آینده این رشته و مراکز مطالعاتی مرتبط با کشور سرنوشت ساز خواهد بود.



منابع

- ۱- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸)؛ *سیاست خارجی ایران در دوره سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲- ازغندی، علیرضا و جلیل روش‌سندل (۱۳۷۴)؛ *مسائل نظامی و راهبردی معاصر*، تهران: سمت.
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)؛ «سیر تحول مطالعات راهبردی؛ روندهای جهانی و تجارب ایرانی» در *پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی، راهبرد/امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات راهبردی در جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۴- آرزو، ادوارد و چونگ این مون (۱۳۷۹)؛ «مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی: وجه نرم‌افزار امنیت ملی جهان سوم» در *ادوارد آرزو و چونگ این مون، امنیت ملی در جهان سوم*، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۵- بوزان، باری و الی ویور (۱۳۸۸)؛ *مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۶- بوزان، باری (۱۳۸۸)؛ *از جامعه بین‌الملل تا جامعه جهانی*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۷- بوزمن، آدابرومر (۱۳۸۲)؛ *اطلاعات راهبردی و کشورداری*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۸- پورموسوی، سید موسی (۱۳۸۶)؛ «ملاحظات دفاعی - امنیتی در آمایش سرزمینی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی» سال پنجم، شماره پانزدهم.
- ۹- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ «گفتمان امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» در *امیرحسین علینقی، نگاهی به مسائل امنیتی ایران*، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۱۰- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ *مقدمه‌ای بر راهبردهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: رهیافت‌ها و راهبردها*؛ تهران: فرهنگ گفتمان.
- ۱۱- تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۹۰)؛ *آینده پژوهی در مطالعات راهبردی*، تهران: پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.
- ۱۲- چالمرز، آلن ف. (۱۳۷۴)؛ *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی*، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.



- ۱۳- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰)؛ «رویکردهای عمده نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» در امیرحسین علینقی، *نگاهی به مسائل امنیتی ایران: گفت‌وگوها*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۴- ربیعی، علی (۱۳۸۳)؛ *مطالعات امنیت ملی: مقدمه‌ای برای نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم*، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- ۱۵- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)؛ *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، تهران: سمت.
- ۱۶- زارعی، بهادر (۱۳۸۴)؛ «مسئله درالاسلام و قلمروی ملی و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» در پژوهشکده مطالعات راهبردی، *راهبرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات راهبردی در جمهوری اسلامی ایران*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۷- زرقاتی، سید هادی (۱۳۸۸)؛ *مقدمه‌ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۸- سائق، یزید (۱۳۷۷)؛ *امنیت در کشورهای در حال توسعه: رویارویی با سده بیست‌ویکم*، ترجمه مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۰- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)؛ *امنیت بین‌الملل*، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۰)؛ «برخی ویژگی‌های دو رویکرد امنیتی در کشور» در امیرحسین علینقی، *نگاهی به مسائل امنیتی ایران: گفت‌وگوها*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲- فی، برایان (۱۳۸۳)؛ *نظریه اجتماعی و عمل سیاسی: بررسی رویکردهای پوزیتیویستی، تفسیری و انتقادی*، ترجمه محمد زارع، تهران: روزنامه ایران، مؤسسه انتشاراتی.
- ۲۳- کالینز، جان ام. (۱۳۷۰)؛ *راهبرد بزرگ: اصول و رویه‌ها*، ترجمه کوروش بایندر، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۴- کریمی‌مله، علی (۱۳۸۰)؛ «وضعیت جاری امنیت ملی در جمهوری اسلامی» در امیرحسین علینقی، *نگاهی به مسائل امنیتی ایران: گفت‌وگوها*؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۵- کلودزیج، ادوارد (۱۳۸۹)؛ *امنیت و روابط بین‌الملل*، ترجمه نادر پورآخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.



- ۲۶- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)؛ *نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۲۷- لطفیان، سعیده (۱۳۷۶)؛ *راهبرد و روش‌های برنامه‌ریزی راهبردی*، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- ۲۸- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۸)؛ *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۹- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)؛ *چهره متغیر/امنیت ملی*، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۰- متقی، ابراهیم و فاطمه ادهمیان (۱۳۸۷)؛ "سیاست دفاعی و راهبرد تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران"، *نامه دفاع*، شماره ۱۶.
- ۳۱- متقی، ابراهیم و کیومرث اشتریان (میزگرد) (۱۳۸۰)؛ "راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران: الزامات و محدودیت‌ها"، *فصلنامه دفاعی و امنیتی*، سال ۸، شماره ۲۹.
- ۳۲- متقی، ابراهیم و محمود عسگری (۱۳۸۸)؛ "سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برنامه چهارم توسعه"، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هفتم، شماره ۲۴.
- ۳۳- مرادیان، محسن، هادی جمشیدیان و رضا کرمی (تابستان ۱۳۹۰)؛ «شاخص‌های امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳.
- ۳۴- مولکی، مایکل (۱۳۷۶)؛ *علم و جامعه‌شناسی معرفت*، ترجمه حسین کچوئیان، تهران: نشر نی.
- ۳۵- ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۳)؛ *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳۶- ویور، الی (۱۳۸۰)؛ "امنیتی کردن و غیر امنیتی کردن"، ترجمه مراد علی صدوقی، *فصلنامه فرهنگ اندیشه*، سال اول، شماره سوم و چهارم.
- ۳۷- هاشم، احمد (۱۳۸۰)؛ "راهبرد دفاعی ایران"، *فصلنامه دفاعی و امنیتی*، سال ۸، شماره ۲۹.
- ۳۸- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶)؛ *شناخت روش علمی در علم رفتاری*، تهران: نشر پارسا.
39. Buzan, Barry (1991) *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*, Boulder and Colorado, Lynne Pienner Publishers.
40. Coats, Daniel and Charles Robb (eds.) (2008) *Meeting the Challenge: U.S. Policy towards Iranian Nuclear Development*, Bipartisan Policy



Center.

41. DeWit, Bob and Ron Meyer (2004) *Strategy: Process, Content, Context: An International Perspective*, Austrila: Thomson.
42. Luttwak, Edmond N. (1987) *Strategy: The Logic of War and Peace*, London, The Belknap Press of Harvard University Prjess.
43. Pierce, Roger (2008) *Research Methods in Politics: A Practical Guide*, Los Angeles: Sage.
44. Snyder, Craig A. (ed.) (1999) *Contemporary Security and Strategy*, Houndmills, MacMillan.
45. Williams, Paul D. (2008) *Security Studies: An Introduction*, London and New York: Routledge.

